

چامسکی: آنها در شمارش آراء تقلب کردند! نامه سرگشاده روشنفکران



امضا کنندگان نامه:

این حق مردم است که مسیر سیاسی خود را انتخاب کنند.
بر گرفته از سایت روشنگری

بقیه در صفحه ۶

آخرین خبرها از پی گیری

وضعیت دستگیرشدگان اخیر

و خانواده های آن ها در تهران

مجموعه فعالان حقوق بشر

بقیه در صفحه ۵

بی حد زبان دراز شدی!

سیمین بهبهانی

بقیه در صفحه ۷

گزارش گاردین و امنستی از شکنجه بازداشت شدگان برای اعتراف بگیری:

بقیه در صفحه ۷

در سکوت زندان اوین چه می گذرد؟

برگرفته از سایت خبری راه کارگر

بقیه در صفحه ۷

بیانیه کمیته مرکزی سازمان.

مردم ایران جای ابهامی باقی نگذاشتند!

بقیه در صفحه ۲



ندا آقا سلطان،

ندای مظلومانه

مقاومت مردم ایران

بقیه در صفحه ۲

ارژنگ بامشاد

پیام همبستگی کارگران ایران

با اقدام جهانی اتحادیه های کارگری!

چهار اتحادیه بزرگ بین المللی (ITUC - ITF - IUF - EI) روز ۲۶ ژوئن - پنجم تیرماه را به عنوان روز حمایت جهانی از حقوق پایه ای کارگران در ایران و مبارزات آنان اعلام کرده اند و.....
بقیه در صفحه ۳

دستگاه ولایی

به دنبال فرصتی برای مهار بحران

بقیه در صفحه ۴

از بنیاد بگویم یا ندا؟(*)

لاله حسین پور

چشمان ندا همراه من است

بقیه در صفحه ۴



ندا آقا سلطان، ندای مظلومانه مقاومت مردم ایران

ارژنگ بامشاد

وقتی تیر کینه، نفرت، تعصب و تاجر دستگاه ولایت، در ساعت ۱۹ و پنج دقیقه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، قلب ندا، با آن همه آرزوهای شیرین برای زندگی انسانی را منفجر کرد،
وقتی تیر خشونت "سربازان گمنام امام زمان" و "جان نثاران" ولی فقیه حکومت اسلامی، پیکر ندا را در خیابان کارگر، تقاطع خسروی و صالحی نقش زمین کرد،
وقتی خون گرم ندا، چهره معصوم اش را سرخ گون کرد، و فریاد بمون، بمون استادش و شیون اطرافیان او را بدرقه می کردند،
وقتی برای تحویل جنازه به خون تپیده اش، شرط گذاشتند که قسمتی از استخوان رانش را جدا کنند،
وقتی به خانواده اش اجازه ندادند در غم او به سوگواری بنشینند و مراسمی برایش برگزار کنند،
وقتی خانواده اش را از خانه شان بیرون کرده و به جای نا معلومی منتقل کردند،
همه به چشم خود دیدند و به گوش خود شنیدند، چه جنایت کارانی در ایران بر سرکارند و چه بر سر مردم می آورند. حالا که ویدئوی ۴۲ ثانیه پایانی زندگی ندا، در تلویزیون های جهان به نمایش درآمده و در سایت های خبری جای گرفته، همه در یافته اند که مقاومت مسالمت آمیز مردم ایران برای گرفتن ابتدائی ترین حق شهروندی خود، با چه خشونت جنایت کارانه ای روبرو شده است. تنها ندا نبود که چنین مظلومانه جان داد. آن دانشجویی اصفهانی نیز به همین شکل مظلومانه جان شیرینش را تقدیم آزادی و رهایی مردمش کرد. آن ده ها جوانی که در دوشنبه ۲۴ خرداد، در حوالی میدان آزادی با تیر بسیجی های مزدور بر خاک افتادند، هم برای دفاع از آزادی و رهایی از ستم استبداد دینی و حاکمیت سرمایه، جانشان را فدا کردند. بی جهت نبود که در آن لحظاتی که مزدوران بسیجی بر سر مردم گلوله می ریختند، زنان و مردان پرشوری که در آن جا جمع بودند، نه تنها ترسی به خود راه نمیدادند، بلکه فریاد می زدند: "نترسیم، نترسیم، ما همه با هم هستیم." آن چه امروز مردم جهان را این چنین نگران و با احساس، مشتاق و همراه مقاومت مردم ایران کرده و همدردی و حمایت آن ها را برانگیخته، مخابره تصاویر این مقاومت شکوهمند و پستی و دانالت و قساوت نیروهای سرکوب حکومت اسلامی است. چون امروز هر ایرانی تلفن همراه به دست، یک خبرنگار شده، امکان شکستن دیوار سانسور و سکوت فراهم گشته است. وگرنه رژیم اسلامی، همان رژیمی است که ظرف مدت چند هفته در تابستان ۶۷ به فرمان رهبرش خمینی، ده ها هزار زندانی سیاسی که دوران محکومیتشان را می گذراندند را حلق آویز کرد و بر خانه های بسیاری از مردم این دیار، غبار مرگ پاشید. این همان رژیمی است که پاسدارانش به دختران جوان، قبل از اعدام، تجاوز می کردند با این ادعا که دختر نباید باکره از دنیا برود. این همان رژیمی است که شهدای بسیاری را در گورهای بی نام و نشان به خاک

بیبانیه کمیته مرکزی سازمان.

مردم ایران جای ابهامی باقی نگذاشتند!

اکثریت قاطع مردم ایران بازی انتخاباتی جمهوری اسلامی را به فرصتی برای اعتراض و رسوا سازی نظام ولایت فقیه تبدیل کردند. زنان و مردان شجاعی که در دوره تبلیغات انتخاباتی، قدم به قدم، دستگاه ولایت فقیه را به انزوا و درماندگی کشانده بودند، بعد از کودتای انتخاباتی ولی فقیه، با راهپیمایی های اعتراضی مکرر و میلیونی خود تمام طرح های کودتاگران را نقش بر آب کردند. حکومتی که شرکت گسترده مردم در انتخابات را گواه پیروزی "مردم سالاری دینی" و وفاداری مردم به جمهوری اسلامی قلمداد می کرد، به چنان رسوایی و ذلتی افتاده که اکنون دست در خون همان مردم کرده، تمام ارتباطات آنها را در داخل کشور و با دنیا قطع نموده و آنها را آلت دست قدرت های خارجی می نامد!

دست آوردهای سیاسی جنبش اعتراضی میلیونی و سراسری مردم ایران حتی تا همین جا نیز دوران ساز است و ماندگار خواهد بود. اما دامنه توده ای و ظرفیت انفجاری این جنبش در دو هفته گذشته جای تردیدی باقی نمی گذارد که این هنوز آغاز راه است و پیکار برای آزادی و برابری همچنان ادامه خواهد یافت. پیکارگران آزادی به خوش بینی های ساده لوحانه نیازی ندارند. مسیر پیش رو از سنگلاخ اشک و خون خواهد گذشت و تداوم جنبش با افت و خیزهای ناگزیر امکان پذیر خواهد شد؛ اما هیچ وقت نباید از یاد ببریم که نجات دهنده ای در کار نیست و راه آزادی و برابری تنها به وسیله جنبش مستقل و آگاهانه اکثریت عظیم خود مردم گشوده خواهد شد. پس با هر چه در توان داریم به پشتیبانی همین جنبش اعتراضی مردم برخیزیم؛ از ضعف ها و آشفتگی های آن بهانه ای برای منزله طلبی و برج عاج نشینی درست نکنیم؛ به جای پریدن روی موج، دشواری های کار مردمی را که با دستان خالی، پنجه در پنجه یکی از بی رحم ترین دیکتاتوری های دنیای معاصر انداخته اند، در پیایم و برای تداوم جنبش و مختل کردن ماشین سرکوب جهانی دیکتاتوری چاره اندیشی کنیم.

نقطه آغاز و بنیاد نظری همه آکسیون های حمایتی مترقی از جنبش اعتراضی مردم ایران باید این باشد که مردم ایران به پشتیبانی، همدلی و همراهی همه آزادی خواهان و حق طلبان جهان نیاز دارند، اما در پی نجات دهنده ای نیستند و نمی خواهند کار خود را به دیگران واگذارند. لازم است مدام بر این اصل تأکید کنیم که سرنوشت پیکار آزادی و برابری مردم ایران در داخل ایران و به دست مردم بپا خواسته خود ایران رقم خواهد خورد. به یاد داشته باشیم که تنها از این طریق است که می توانیم دیکتاتوری خون ریز ولایت فقیه را منزوی کنیم و درهم بشکنیم. با این تأکید است که همه آزادی خواهان جهان، مدافعان حقوق بشر و سازمان ها و جنبش های کارگران و زحمتکشان را به پشتیبانی از جنبش اعتراضی مردم ایران فرا می خوانیم.

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

27 ژوئن 2009

ورود نیروهای چپ و آزادی خواه به

سفارت خانه حکومت اسلامی در استکهلم!

این کارزار به فراخوان نیروهای چپ در مقابل سفارت حکومت اسلامی در سوئد در روزجمعه برگزار شد که حدود ۵۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند.

تظاهر کنندگان با شعارهایی هم چون «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «حکومت ضد زن نمی خواهیم، نمی خواهیم»... به محوطه سفارت وارد و مزدوران رژیم را وادار به عقب نشینی نمودند.

ایرانیان ازادیخواه و برابری طلب توانستند یکی از مزدوران رژیم را که در مقابله با تظاهرکنندگان، می خواست از هدف تیر کلت خود استفاده کند، خلع سلاح نمایند.

خبر حرکت اعتراضی نیروهای چپ و آزادی خواه در مقابل سفارت حکومت اسلامی در سوئد، در کانال های تلویزیونی، روزنامه ها، رادیوهای سراسری سوئد و هم چنین در رسانه های بین المللی مانند تلویزیون آمریکا، بی بی سی و سی ان ان انعکاس گسترده ای پیدا کرد.

پیام همبستگی کارگران ایران با اقدام جهانی اتحادیه های کارگری !

چهار اتحادیه بزرگ بین المللی (ITUC - ITF - IUF - EI) روز ۲۶ ژوئن - پنجم تیرماه را به عنوان روز حمایت جهانی از حقوق پایه ای کارگران در ایران و مبارزات آنان اعلام کرده اند و قرار است در این روز اعضای این اتحادیه ها در سراسر جهان اقدام به حمایت عملی از مبارزات کارگران در ایران بنمایند . این همبستگی جهانی با کارگران در ایران یک اقدام تاریخی و بزرگ در مبارزه طبقه کارگر جهانی برای دستیابی به حقوق انسانی کارگران در ایران و سراسر جهان است و بی تردید نقش تاریخی در پیشبرد مبارزات کارگران ایران ایفا خواهد کرد و از سوی دیگر اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر را عمق و دامنه بیشتری خواهد بخشید .

ما امضا کنندگان این بیاتیه خود را دوشادوش و همراه این حرکت متحدانه جهانی می دانیم و از این طریق ضمن قدردانی عمیق از سازماندهی چنین اقدامی از سوی ITUC - ITF - IUF - EI دست سازماندهندگان این حرکت متحدانه جهانی را به گرمی می فشاریم و درود های گرم و بی پایان خود را نثار تمامی کارگران جهان و یکایک اعضای این اتحادیه ها می کنیم .

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

چهارم تیرماه ۱۳۸۸

- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
- اتحادیه آزاد کارگران ایران
- کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری
- انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه
- جمعی از کارگران نساجی خامنه
- کارگران کارخانه پرریس سنندج
- کارگران کارخانه بافندگی شین بافت سنندج
- کارگران کارخانجات شاهو
- کارگران نساجی کردستان
- کارگران فرش غرب بافت
- کارگران آجر شیل
- کارگران شیرپاک آرا
- کارگران گونی بافی سما
- کارگران آرد فجر
- کارگران نیرو رخش
- کارگران بخش خدماتی بیمارستان توحید سنندج
- جمعی از بازنشستگان شهرستان سنندج
- کارگران شرکت فرش غرب کرمانشاه
- جمعی از کارگران کارخانه صنایع فلزی شماره ۲
- جمعی از کارگران لاستیک البرز
- جمعی از کارگران شهرستان مریوان
- جمعی از کارگران و فعالین شهر کامیاران
- جمعی از کارگران و فعالین شهر مشهد
- کارگران شرکت کارگلاس تهران
- کارگران براق آلات قم

ندا آقا سلطان



سپرده که حتی خانواده هایشان از محل دفن عزیزانشان بی خبرند. این همان رژیمی است که تعدادی از روشنفکران و هنرمندان و فعالین سیاسی را در قتل های زنجیره ای ، با طناب و چاقو و قمه کشت. این همان رژیمی است که صدها تن از فعالین سیاسی را در خارج از کشور ترور کرد. این همان رژیمی است که جوانان کرد و عرب و بلوچ را به بهانه های گوناگون به چوبه های دار می آویزد.

اما اکنون که فیلم های ارسالی از ایران، مقاومت مردم، مبارزه و فریاد آزادی خواهی آن ها، قساوت و خشونت نیروهای سرکوب را به همگان نشان داده است، جان باختن ندا آقا سلطان به سمبل مقاومت مردم ایران تبدیل شده است.

ندا، ندای حق طلبی مردم شده است. ملتی که فریاد می زند: "می جنگم، می میرم، رای ام را پس می گیرم". زیرا مردمی که در بی حقی کاملی بسر می برند و تمامی نهادها و ارگان ها و بنیادها و سازوکارهای حکومتی برای تداوم این بی حقی به کار افتاده اند، نمی خواهند بیش از این به این بی حقی تن در دهند. حکومتی که حتی حق ابتدایی شهروندی مردم یعنی حق رای دادن آن هم در انتخاباتی کاملاً کنترل شده را بر نمی تابد، چگونه می تواند دیگر حقوق مردم را در زمینه های گوناگون به رسمیت بشناسد. حکومت اسلامی بر پایه قدرتی و ولایت مطلقه ولی فقیه و بی حقی کامل مردم سازماندهی شده است. اکنون مردم این شیوه ی قرون وسطایی حکومت را بر نمی تابند. اما بی حقی مردم تنها به عرصه حقوق شهروندی خلاصه نمی شود. حق زندگی انسانی از مردم گرفته شده است. حکومت اسلامی در طول سی سال حاکمیتش، فقر، گرانی، تورم و گسترده گری فاصله فقیر و غنی را باعث شده است. بسیاری از کارگران حتی در برابر کارشان، دستمزد کافی و به موقع دریافت نمی کنند. دستمزدی که کفاف زندگی حداقلی را نیز نمی دهد. حق کار، در این کشور، معنا و مفهومی ندارد. نرخ دو رقمی بیکاری، امید جوانان به آینده بهتر را نابود ساخته است.

ندا، ندای مقاومت مردم شده است. مقاومت ملتی که سال هاست زیر فشار استبداد دینی حکومت اسلامی، برای زندگی انسانی می جنگند. مردم ایران نخواستند و نمی خواهند، به الگوهای زندگی متحرانه دولتیان تن در دهند. حکومت اسلامی علیرغم سازماندهی انواع و اقسام گشت های امر به معروف و نهی از منکر، گشت های خواهران زینب، گشت های ارشاد و دیگر نهادها و ارگان های تبلیغی و تهییجی و ارشادی، هیچگاه نتوانست الگوهای زندگی و بنیادهای خود را بر مردم تحمیل کند. مردم و بویژه جوانانی که سی سال در برابر این بنیادها و بنیادهای مقاومت کرده اند، اکنون خشم خود را در سراسر ایران فریاد می کنند.

ندا، ندای آزادی خواهی مظلومانه مردم شده است. ملتی که فریاد "مرگ بردیکتاتور" اش، حالا دیگر جهانی شده است. مردم ایران سال های سال زیر تیغ سرکوب حکومت از تمامی آزادی های سیاسی و مدنی خود محروم شده اند. آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی عقیده، آزادی پوشش، آزادی انتخاب شغل، تحصیل و محل زندگی، و دیگر آزادی های، در حکومت اسلامی کفر ابلیس است. اما اکنون، مردم با فریاد آزادی خواهانه خود، علیه سرکوب این آزادی ها شوریده اند. این شورش، در سکوت و آرامشی تحسین برانگیز، خود را نشان داده است. حتی شورش در سکوت هم، ارکان حکومت اسلامی را لرزاند است.

ندا، بی پاسخ نخواهد ماند. این ندا، در سرتاسر این مرز و بوم طنین خواهد افکند. کوچه ها و خیابان ها را در خواهد نوردید. به کارخانه ها و کشتزارها رسوخ خواهد کرد. در بیمارستان ها، ادارات و مراکز خدماتی انعکاس خواهد یافت. مدارس، دانشگاه و مراکز آموزشی را تسخیر خواهد کرد. به چهارگوشه این کشور سر خواهد کشید، از آذربایجان و کردستان تا بلوچستان، از ترکمن صحرا تا فارس و خوزستان و خراسان و گیلان و مازندران عبور خواهد کرد و خود را در اعتراضات کارگری، در اعتراضات مردمی، در حرکت های دانشجویی و جوانان، در قدرت بخشیدن به جنبش زنان و در همبستگی های توده ای متجلی خواهد کرد. این خون و دیگر خون های پاک، به هدر نخواهد رفت. از این خون های پاک فرزندان وطن، لاله های سرخ آگاهی و مبارزه قد خواهد کشید. لاله های سرخ گونی که سیاهی حاکمیت اسلامی را در هم خواهد پیچید.

چهارم تیرماه ۱۳۸۸ - ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

دستگاه ولایی به دنبال فرصتی برای مهار بحران

*احتمال دارد که در صورت وجود دورنمای فروکش اعتراضات و تجمعات خیابانی مطالبه شروع اعتصابات مودی که می تواند انسجام دستگاه سرکوب را کاهش دهد و کارکرد آن را مختل سازد از مقبولیت وسیعی برخوردار شود

روشنگری: نسبت به روزهای شنبه و یکشنبه، مجموعه خبرهای دو روز اخیر نشان می دهد که با وجود فضای ملتهب در تهران و شهرستان ها و قوی تر شدن صدای شعارهای شبانه در پشت بام ها، از دامنه اعتراضات خیابانی کاسته شده است.

البته پس از یک هفته پی در پی تجمعات عظیم و بی سابقه خیابانی و درگیری های وسیع و در حالی که رژیم با تشدید سرکوب و برقراری نوعی حکومت نظامی اعلام نشده هزینه اعتراضات را بشدت بالا برده است، این کاهش قابل درک است. در عوض خبرها حاکی از وجود نوعی تمایل به اعتراض موضعی در محلات و مناطق مختلف است؛ اعتراضاتی که در غیاب نیروی سرکوب شکل می گیرد و با هجوم آنان متفرق می شود تا دوباره در جایی دیگر و ساعتی دیگر دوباره از سر گرفته است. گزارش های مربوط به تهران و ویدئو فیلم های منتشره همچنین از سرایت اعتراضات به جنوب شهر حکایت می کنند که خود نشانگر حرکت به سمت فراگیری بیشتر است.

از حدود سه روز پیش خواست تقویت اعتراضات خیابانی به کمک اعتصاب در بخش های مختلف جامعه و بخصوص در گام اول در بخش حمل و نقل در میان فعالین و کنشگران اعتراضات مطرح شده است. با گذشت زمان این خواست ها افزایش یافته است. می توان احتمال داد که در صورت وجود دورنمای فروکش بیشتر اعتراضات خیابانی مطالبه شروع اعتصابات مودی که می تواند انسجام دستگاه سرکوب رژیم را کاهش دهد و کارکرد آن را مختل سازد به یک فشار سیاسی قابل توجه تبدیل شود و از مقبولیت وسیعی برخوردار شود.

مردم عملکرد سرکوبگرانه دستگاه خودکامه ولایت مطلقه فقیه را باگوش و پوست خود آزموده اند و یقین دارند که اگر این دستگاه بتواند بحرانی که در جریان اعتراض بر سر کودتای انتخاباتی و مصادره حق رای مردم گریبانش را گرفته است از سر بگذراند، روزگارشان را سیاه تر از همیشه خواهد کرد.

مقاومت باشکوه مردم و حماسه آفرینی های بی نظیر تاریخی آنان در برابر باند رسوای کودتاجی از ۲۲ خرداد به این سو اگر با ناکامی روبرو شود، حکومت وحشت و سرکوب خونین برای مدتی نامعلوم، شدیدتر از پیش بر مردم و فعالین سیاسی تحمیل خواهد شد. راهکاری که به اعتقاد بسیاری از فعالین سیاسی و اجتماعی و کنشگران اعتراضات در وضع فعلی می تواند مجال مهار بحران را از رژیم بگیرد و آن را زمین گیر کند و در عین حال به اعتراضات خیابانی نیز قدرت و گسترده بیشتری ببخشد زنجیره ای از اعتصابات های مودی است. معلمانی که سالها برای مطالبات صنفی خود سرکوب و تحقیر شدند، کارگرانی که بدتر از برده به کار کشیده شدند و حتی در حد برده هم تامین مالی نشدند و حق تشکل مستقل شان به رسمیت شناخته نشد و هر بار اعتراض کرده اند راهی سیاه چال شدند، اگر حالا که رژیم از بالا سخت دچار شکاف است و از پائین با اعتراضات گسترده روبروست برای خواسته های رفاهی خود اقدام به اعتصاب و تحصن کنند، از موقعیت بهتری برای تحمیل خواست های خود بر رژیم برخوردارند.

طبیعی است که جنبش اعتراضی مردم نیز از گسترش دایره اعتراضات از حوزه سیاسی به حوزه اجتماعی و فلج شدن رژیم در اثر زنجیره ای از اعتصابات مودی سود می برد. در واقع آن عامل اساسی که حرکت به سمت اعتصابات بر محور مطالبات مشخص رفاهی و صنفی را با حرکت سیاسی ضد دیکتاتوری فعلی که شعار مرگ بر دیکتاتور وجه برجسته آن است پیوند می زند همان رابطه ناگسستگی است که بین حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی، بین آزادی سیاسی و عدالت اجتماعی، یا اصطلاحا بین نان و آزادی وجود دارد. بدون آزادی شرایط مبارزه برای تامین عدالت اجتماعی بشدت دشوار می شود و بدون عدالت اجتماعی، آزادی، بیشتر آزادی اقلیت ناچیزی از صاحبان رانت ها و امتیازات ویژه است که آزادانه و بی حساب و کتاب مردم را سرکوب می کنند. تضعیف رژیم مبتنی بر ولایت مطلقه هم مبارزه برای آزادی را تقویت می کند و هم مبارزه برای امور رفاهی و معیشتی را.

شکل گیری زنجیره ای از اعتصاب های مودی ضمن تقویت جنبش اعتراضی، مجال عبور رژیم باند کودتاجیان از بحران فعلی را از آنان می گیرد. ۳ تیر ۱۳۸۸

از بنیاد بگویم یا ندا؟ (*)

لاله حسین پور

چشمان ندا همراه من است

هرجا می روم، به هر جا می نگرم، چشمان هنوز زنده ندا با من است. این دو چشم را که در آخرین لحظه حیاتش با ناباوری به جهان می نگرد، با خود نگاه می دارم. آن را از دست نمی دهم. نسل ما و نسل های جوان تر و نسل های آینده به این چشمان احتیاج دارند.

می خواهم از بنیاد بگویم، اما نگاه ندا کوهی شده و بر قلبم سنگینی می کند.

با نفس تنگ شده، از بنیاد می گویم. از سه روزی که هر بار بعد از شنیدن یک جمله از سخنران، می بایست ذهن فراری را در حال پرواز به سوی ایران و لغزیدن میان جمعیت در خیابان های تهران، از این سر به آن سر و در نهایت رسیدن به بالای سر ندا و دیدن چشم هایش، مجددا بر روی صندلی های سالن سخنرانی بر می گردانیدم و جمله بعدی را به جمله اول متصل می کردم و تلاش می کردم تا مضمون را به شرایط ربط دهم و احساس خارج از زمان و مکان بودن را از خود دور کنم.

سه روزی که با یک گوش صحبت ها را می شنیدیم و با گوش دیگر اخبار را و برای اثبات هم گامی مان با مردم مان که به ویژه در دوران به خیابان ریختن ها، چه عزیز می شوند و چه نزدیک، تو گونی یک خون در بدن همه مان جاری ست، همان خونی که از دهان و بینی ندا می سرازیر می شود و برای این که فریاد بزنیم که ما با شمانیم، ما، شمانیم، به خیابان رفتیم و تا می توانستیم فریاد زدیم و به هر چه ترور در کشورمان، نه گفتیم و به هر چه قتل و اعدام در کشورمان، نه گفتیم و به هر چه توانستیم، نه گفتیم. گویا بعد از سی سال هنوز باید فقط نه بگویم و از آری گفتن هراس داریم. گویا باز می خواهیم آن قدر نه بگویم تا کسی بیاید و در یک جمله مثلا بپرسد جمهوری اسلامی، آری یا نه و بعد ما بگویم، آری.

آیا هنوز برای یک شعار اثباتی بالغ نشده ایم؟ بنیاد که توانست جمعی بیشتر از ۵۰۰ نفر را در تظاهرات جمع کند، می توانست بسیاری از شعارهای جنبش زنان را فریاد بزند و آغازی باشد برای ایجاد صف مستقل زنان، در هر حرکتی که از این پس در پیش است. به خاطر آوریم شعار بحث بعد از مرگ شاه را در روزهای قبل از انقلاب بهمن. سی سال لعنت فرستادیم بر آن شعار. بیایید از اشتباهات مان بیاموزیم. این سی سال را دیگر نمی توان تغییر داد. حتی یک لحظه اش را نیز نمی توان عوض کرد، اما حال و آینده در اراده توان بالفعل و بالقوه ماست.

بیایید صف خود را در کنار دیگران، اما مستقل از دیگران تشکیل دهیم و مطالبات مشترک و اخص خودمان را فریاد بزنیم. از همین لحظه! ۲۵ یونی ۲۰۰۹

(*) بنیاد پژوهش های زنان ایران که از ۱۹ تا ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹ بیستمین کنفرانس خود را در هانوفر- آلمان برگزار کرد.

برخی شعارهای تظاهرات های روزهای اخیر در ایران!

"نترسین نترسین ما همه با هم هستیم"

پاسخ های کوبنده جمعیت به احمدی نژاد:

"خس و خاشاک تویی دشمن این خاک تویی"

"مرگ بر دیکتاتور"

"دولت جنایت میکند، رهبر حمایت میکند.:

"تقلب یه درصد دو درصد نه ۵۳ درصد"

"هاله نورو دیده ، رای مارو ندیده"

هرچه جمعیت بیشتر بیشتر می شد انگار آرا احمدی نژاد بیشتر زیر سوال می رفت

"جنئی لعنتی تو دشمن ملت"

"احمدی به گوش باش ما مردمیم نه اوباش"

"می جنگم می میرم رایمو پس می گیرم"

و البته مهمترین شعار جمعیت

"دولت کودتا استعفا استعفا"

آخرین خبرها از پی گیری وضعیت دستگیرشدگان اخیر و خانواده های آن ها در تهران

مجموعه فعالان حقوق بشر

بنابر اطلاع رسانی این فعالان: صدها شهروند بازداشت شده اعتراضات اخیر شهر تهران در کمپ کهریزک به صورت روزمره تحت بدرفتاری و شکنجه قرار دارند.

کمپ کهریزک که گفته می شود به دستور سردار رادان راه اندازی شده بود؛ و اینک صدها تن از جوانان وطن در آن به سر می برند کجاست؟ در جاده قدیم قم، پس از آن که از بهشت زهرا و کهریزک می گذرید، بعد از پل و مسیری که به شهرک واوان و اسلامشهر منتهی می شود، سه راهی ای وجود دارد که سمت چپ آن (به سمت شرق) منتهی به یک شهرک صنعتی است. در مسیر شهرک صنعتی که حدود ده کیلومتر با سه راهی فاصله دارد، دژبانی پادگان چهارم المهدی دیده می شود. هیچ چیز جز بیابان در اطراف پادگان و کمپ موسوم به کهریزک که در آنجا قرار گرفته، وجود ندارد. از برابر دژبانی که از آن پیشتر نمی شود رفت، کمپ به سختی دیده می شود؛ دو سوله در جوار هم و یکی کمی دورتر جمعاً سه سوله در آن میان، قرار گرفته و تاسیسات ساختمانی و اداری هم قابل مشاهده هستند. در این محل کسی را آزاد نکرده و فرماندهی زندان می گوید که مجوز اعلام اسامی بازداشت شده های اخیر را از طرف دادگاه انقلاب و امنیت ندارد. خانواده هایی که در بیابان های آن اطراف منتظر اعلام خبری از عزیزانشان هستند می گویند که روزی دو یا سه بار تانکری که حاوی آب آشامیدنی است به زندان می رود. از این رو می توان دریافت که تعداد زیادی از بازداشت شدگان در این محل به سر می برند.

از دیگر سو همه روزه تعداد زیادی از خانواده ها که جمعیتی حدود ۵۰۰ نفر را تشکیل می دهند در برابر زندان اوین شبانه روزی در انتظار اعلام اسامی عزیزان خود هستند که در دو هفته اخیر بازداشت شده اند.

در زندان اوین روزانه آمار زندانیان در کاغذهای دست نویس یا پرینت شده بر پشت پنجره ها و محوطه دادسرای امنیت جنب زندان اوین برای مشاهده عموم گذاشته می شود. گفته شده به دلیل کمیبود جا برخی بازداشت شدگان را حتی به قزل حصار و مراکز دیگری که نامشان برده نشده، انتقال داده اند. اما غالب دستگیر شدگان، آن طور که آن هایی که از اوین بیرون می آیند می گویند، روز بعد از دستگیری را در مرکز آگاهی و امنیت شاپور (خیابان وحدت اسلامی) گذرانده اند. برخی که توانسته باشند آشنایی (پارتی) دست و پا کنند، قبل از اعزام به اوین رها شده و برخی بدون طی روال قانونی ظاهری موجود، از طریق دادگاه انقلاب آزاد می شوند! اما اکثر آن هایی که آزاد می شوند از دستگیری های شبیه اخیر هستند و هنوز خبری دقیق از آزادی دستگیرشدگان هفته نخست اعتراض ها پس از انتخابات در دست نیست.

این محل از دیگر اماکنی است که خانواده ها هم اندازه با آن ها که در برابر زندان اوین در انتظار هستند، در جستجوی خبری از عزیزانشان در اینجا هم تجمع کرده اند. دادگاه انقلاب برای آزادی بازداشت شدگان از بستگان آن ها شناسنامه و کارت ملی متهم و کفیل (یک نفر یا شناسنامه و کارت ملی و جواز کسب یا فیش حقوقی کارمند دولت) و فیش حقوقی و تأییدیه آن یا جواز کسب و فتوکپی های همه مدارک را مطالبه می کند. اما به هیچ عنوان به خانواده های منتظر پاسخی نمی دهند. و تنها اسامی را پشت شیشه می زند که ادعا می کند بناست در روز آینده دادگاهی برای شان تشکیل شود. که تا به حال اسامی بیش از ۹۰۰ تن در برابر دادگاه انقلاب منتشر شده است که که گفته می شود فقط شامل زندانیان بازداشتی در اوین است. و متعلق به برخی بازداشت شدگان درگیری های روزهای نخست اعتراض ها که در نتیجه می توان گفت که زندان اوین کار انتشار اسامی را با تاخیر ۱ الی ۲ روزه انجام می دهد.

به طور میانگین در دادگاه انقلاب واقع در خیابان معلم هم روزی ۱۵۰ نفر از افرادی که به قول خودشان مشکل زیادی نداشته و بازجویی شان تمام شده باشد و در بند عمومی باشند را منتشر می کند و نه بیشتر. گفته می شود افراد بسیاری در زندان اوین هستند که هنوز نامشان از طریق لیست های اعلام شده منتشر نشده است. این افراد غالباً در بند ۲۰۹ زیر نظر وزارت اطلاعات یا در بازداشت گاه های غیرقانونی سپاه نگهداری می شوند. نحوه برخورد میان زندان بان های زندان اوین کمی

بهتر و مودبانه تر از سایر مراکز بازداشت است. اما عدم توان کنترل سیل خانواده ها و مختل شدن عبور و مرور کارکنان و ماشین های پرسنل و حمل زندانی در برابر زندان اوین، باعث می شود بعضی از اوقات بعضی از ماموران محافظ زندان اوین با خانواده ها هم برخورد های خشونت آمیز و نامناسب داشته باشند.

غالب خانواده ها از فشار بر فرزندان شان برای اینکه نیروهای امنیتی قصد دارند از آنها در مقابل دوربین اعتراف بگیرند و سپس آنها را آزاد کنند، نگرانند.

در روزهای اخیر تلویزیون جمهوری اسلامی جوانانی را با چهره مخدوش نشان می داد که ادعا می کردند وابسته به گروهک منافقین (عنوانی که این رسانه از آن برای اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران استفاده می کند) هستند.

روند از آزاد سازی بازداشت شدگان کند و اطلاع رسانی ها قطره چکانی است. به طور میانگین حداکثر روزی حدود ۱۵۰ نفر آزاد می شوند.

آن ها که آزاد می شوند درباره رفتار زندان بان ها و بازجوها سخنان متفاوتی بیان می کنند اما همگی بلااستثنا پیش از رفتن به زندان در آگهی و بازداشت گاه موقت، مورد ضرب و جرح قرار گرفته بودند.

گفته می شود از دیگر مراکز که در آن جوان های دستگیر شده در آن پیش از اعزام به زندان اوین یا دادگاه انقلاب مورد شکنجه قرار می گیرند، زیرزمین وزارت کشور در میدان فاطمی و کلانتری ها و اداره آگاهی شاپور بوده و هست. و در میان کلانتری ها وحشیانه ترین شکنجه ها را به کلانتری گیشا نسبت می دهند.

چنانچه آن ها که در روزهای اخیر از اوین آزاد شده اند می گویند: اگرچه در اوین هم بعد از بازجویی ها و قرنطینه، شکنجه ادامه داشته، اما در بند عمومی نه و در اندرزگاه های ۷ و ۸ و یک زندان اوین مرتباً DVD های خبری و اخبار تلویزیونرا پخش می کنند و به بازداشت شدگان جای هم داده شده است. و بیشتر سعی بر شکنجه روحی و روانی بازداشت شدگان می شده. به نحوی که با ارائه اخبار ضد و نقیض به زندانی ها و قطع تلفنهای بند ها به زندانی ها اجازه خبر رسانی در مورد محل بازداشت خود به خانواده هایشان داده نمی شود. یا به آن ها گفته می شده که آزاد می شوند، در حالی که برای بازجویی برده می شدند و یا باز آن ها را با تحقیر در زندان نگاه می داشتند.

در حاشیه:

- به دلیل این که برخی از افرادی که آزاد می شدند، لباسشان پاره بوده، در هنگام آزادی به آن ها تی شرت هایی داده شده بود.

- شخصی که نامش در هیچ لیستی منتشر نشده بود، از زندان اوین آزاد شد. در حالی که او می گفت منتظر آزادی برادرش بوده و نه خودش که نشان از ناهمگونی و اغتشاش و بی نظمی ماموران زندان دارد.

- جوانی ۱۷ - ۱۸ ساله که با زیر شلواری از زندان اوین خارج می شد؛ علت پوشیدن زیرشلواری را این اعلام کرد که زمانی که برای گذاشتن آشغال جلوی در منزل از خانه خارج شده، با همین لباس دستگیر و به زندان منتقل شده است که این موضوع برای دقایقی اندوه حاکم بر فضای مقابل زندان اوین را کم رنگ تر کرد.

نحوه پی گیری خانواده ها:

اگر یکی از دوستان، بستگان یا اعضای خانواده شما در رزوه های اخیر ناپدید شده است یا اطلاع دارید که دستگیر شده بهتر است که ابتدا و در ۲۴ ساعت نخست کلانتری های منطقه ای را که احتمال می دهید در آن جا دستگیر شده باشد، جستجو کنید و روز بعد حتماً سری به اداره آگاهی تهران بزرگ در خیابان شاپور (وحدت اسلامی) بزنید و پس از دو الی سه روز منتظر اعلام اسامی از طریق زندان اوین باشید. نا امید نشوید و به جستجو و درخواست خود ادامه دهید.

یک نکته:

*تمامی اطلاعات فوق مربوط به افرادی است که در درگیری های خیابانی و به بهانه های واهی اخلاص در نظم عمومی در دو هفته گذشته تنها در تهران دستگیر شده اند. متأسفانه هیچ خبری از روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و یا هواداران شناخته شده و اعضای ستادهای کاندیداهای اصلاح طلب که از مقابل منزل اشان ربوده و یا در روزهای گذشته دستگیر و بازداشت شده اند در دست نیست و گفته می شود که جان بسیاری از آن ها ممکن است در خطر باشد و تحت شکنجه های شدید برای اعتراف در مقابل دوربین های تلویزیونی قرار دارند. ۴ تیر ۱۳۸۸

چامسکی: آنها در شمارش آراء تقلب کردند! نامه سرگشاده روشنفکران



امضا کنندگان نامه:

این حق مردم است که مسیر سیاسی خود را انتخاب کنند. روشنگری، هیچ دولتی نمیتواند ادعای اقتداری را داشته باشد که بر خواست همه مردم استوار نیست. این پاسخ دندان شکن نوام چامسکی و تعداد زیادی از روشنفکران غربی به ادعای خامنه ای در مورد غیرقانونی بودن تظاهرات انبوه معترضین ایران است که در نامه سرگشاده ای ابراز شده است.

نوام چامسکی قبل از انتشار این نامه نیز در پاسخ به سوالی در مورد انتخابات اخیر رژیم و نتایج اعلام شده آن گفته بود قبل از هرچیز این انتخابات دمکراتیک نبود و نامزدها توسط چند روحانی انتخاب شده بودند و ثاباً بنا بر شواهدی که در دست است آنها وقتی دیدند نامزد خودشان به نتیجه دلخواه آنها نرسیده صندوق ها را مهر و موم کرده به وزارت کشور برده اند و هرکاری خواسته اند کرده اند و بعد برگشته و آرای را ارائه داده اند که اعتباری ندارد و نحوه عمل حتی قوانین خودشان را نقض می کرد و هر نوع اعتبار ممکن را از بین برده است. او در مصاحبه دیگری با اشاره به سخنان یکی از کارشناسان به نام خاورمیانه تاکید می کند که انتخابات تقلبی بود و تقلب بسیار آشکار بود.

رسانه های رژیم از جمله خبرگزاری های فارس و پرس تی وی در جریان بحران خاورمیانه، مسایل فلسطین و حمله به عراق بارها با چامسکی و دیگر روشنفکران آزادیخواه مصاحبه کرده اند، حالا بسیاری از آنها از جمله چامسکی بر تقلبی بودن نتیجه انتخابات رژیم مهر تایید گذاشته اند. البته رژیمی که انبوه میلیونی مردم خود را مزدور امپریالیسم، میخواند و آنها را به گلوله می بندد، ایابی ندارد که چامسکی و دیگر آزادیخواهان غربی را هم، صهیونیست، بخواند. اما شهادت این نوع روشنفکران که استقلال خود را زیر فشارهای سنگین به اثبات رسانده اند و تصدیق تقلبی بودن آراء ارائه شده توسط رژیم و حمایت آنها از اعتراضات برحق مردم، یکی دیگر از دستاوردهای جنبش اعتراضی اخیر مردم است که به نحو درخشانی مرز ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران را از مرزنیروهای دمکراتیک تا حدود زیادی مجزا کرد و ادعاهای ریاکارانه رژیم در سطح بین المللی را افشا نمود. در زیر ترجمه نامه سرگشاده را می خوانید. خلاصه ای از مصاحبه چامسکی که در آن تقلبی بودن نتایج انتخابات رژیم را مورد تایید قرار میدهد، در ویدیویی آمده که در زیر مقاله لینک آن داده شده است.

نامه سرگشاده در پشتیبانی از تظاهرات کنندگان در ایران!

صبح امروز آیت الله خامنه ای خواهان پایان یافتن تظاهرات عظیم و نیرومندی شد که در اعتراض به نتایج زیر سوال انتخابات هفتم گذشته برپا شده است. او به این استدلال متوسل شد که تسلیم شدن به درخواست های توده ای و فشار غیرقانونی، به نوعی دیکتاتوری، منجر خواهد شد، و به تظاهرات کنندگان هشدار داد که آنها، و نه پلیس، مسوول خشونت های بیشتر به شمار خواهند آمد. نحوه استدلال خامنه ای برای همه کسانی که به مسایل سیاسی مربوط به اقدام جمعی علاقمند هستند آشناست، زیرا به منطق مقامات دولتی برای مقابله با بسیج های عظیم توده ای در عصر

مردن از ۱۷۸۹ در فرانسه تا خود انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ متوسل میشود. بسیج های مزبور از طریق مبارزه برای تثبیت این اصل صورت گرفته است که حق حاکمیت بر خود مردم استوار است نه بر دولت یا نمایندگان آن. همانطور که پیکارگران ANC [کنگره ملی آفریقا] در "منشور آزادی" خود در سال ۱۹۵۵ آورده اند هیچ دولتی نمیتواند در ادعای اقتدار برحق باشد مگر آنکه [این اقتدار] بر خواست همه مردم استوار باشد.

نیازی به گفتن ندارد که این حق مردم ایران است که مسیر سیاسی خود را انتخاب کنند. معهداً ناظران خارجی که تحت تاثیر دلآوری مردمی قرار گرفتند اند که در این هفته گذشته به تظاهرات پرداخته اند، این حق را دارند که تاکید کنند حکومتی که ادعا می کند نماینده خواست مردم خویش است، تنها وقتی محق است که به مهم ترین پیش شرط های پایه ای برای تعیین خواست مردم احترام بگذارد: یعنی به آزادی مردم به مثابه یک نیروی فراگیر جمعی برای تجمع بدون هر نوع مانعی، امکان پذیر بودن مباحثه و دسترسی آزاد به اطلاعات بدون هر نوع محدودیتی برای مردم تا بتوانند مسیر مشترک خود را تدقیق کرده، درمورد آن تصمیم بگیرند و آن را به اجرا بگذارند.

سالیان دراز، ترویج دمکراسی، تحت حمایت نیروهای خارجی در نقاط مختلف جهان، جنبش های اجتماعی را که مدعی نوعی مشروعیت دمکراتیک مستقیم هستند بطور موثری زیر سوال برده است. اما خود اصل مثل همیشه شفاف باقی مانده است: این تنها خود مردم هستند که حق دارند ارزش چنین ادعاهایی را محک بزنند. ما امضاء کنندگان زیر از دولت ایران می خواهیم دست به اقدامی نزنند که مانع احقاق این حق مردم بشود.

* ویدیو مصاحبه چامسکی

<http://www.youtube.com/watch?v=Sk04v2yq4PQ>

*نام امضا کنندگان:

Peter Hallward
UK, Middlesex University
Alberto Toscano
Goldsmiths College, UK

این نامه را همچنین اشخاص زیر امضا کرده اند:

Alenka Zupancic, Institute of Philosophy of the Slovenian Academy of Sciences and Arts
Alexander Garcia Duttmann, Goldsmiths College
Etienne Balibar, Paris X, Nanterre, and University of California, Irvine
Eyal Weizman, Director, Centre for Research Architecture, Dept. of Visual Cultures
Goldsmiths, University of London
Judith Butler, University of California, Berkeley
Noam
Chomsky, Institute Professor (retired), MIT, Cambridge MA USA
Philipp
Pettit, University Center for Human Values, Princeton University
Rada Ivekovic, Prof., Collège international de philosophie, Paris
Slavoj
Žižek, University of Ljubljana, Slovenia and the European Graduate School

امضاهاى ديگر:

Adam Bieniek, PhD, Jagiellonian University, Chair of Arab Studies, Institute of Oriental Philology , Cracow, Poland
Agnieszka Zuk, University of Nancy
Aleksander Glogowski, PhD, Jagiellonian University, Cracow, Poland
Ali Banuazizi, Professor of Political Science and Director, Program in Islamic Civilization and Societies, Boston College
Ali Rezaei, Dept. of Sociology, University of Calgary, Canada
Nader Hashemi, Assistant Professor of Middle East and Islamic Politics
Josef Korbel School of International Studies, University of Denver
Arang Keshavarzian, Associate Professor of Middle Eastern and Islamic Studies, New York University
Asia Bochenska, Department of
Kurdish Studies, Jagiellonian University, Cracow, Poland
Beata Kowalska, Jagiellonian University, Poland
Dan Sperber, Institut Jean Nicod, CRNS, Paris
Eric B. Ross, Visiting Professor of Anthropology and International Development Studies, The George Washington University, Washington, D.C.
Farideh Farhi, Department of Political Science, University of Hawai'i at Manoa
Farifteh Tavakoli-Borazjani, Freie Universität Berlin, Institut für Iranistik
Farzin Vahdat, Vassar College, New York
Hossein

بی حد زبان دراز شدی!

گر شعله‌های خشم وطن
زین بیشتر بلند شود
ترسم به روی سنگ لحد
نامت عجین به گند شود
پر گوی و یاهو ساز شدی،
بی حد زبان دراز شدی
ابرام ژاژخایی تو
اسباب ریشخند شود
هرجا دروغ یافته ای / درهم چو رشته یافته ای
ترسم که آنچه تافته ای / بر گردنت کمند شود
باد غرور در سر تو، / کور است چشم باور تو
پیلی که او فتد به زمین / حاشا دگر بلند شود
بر سر کله گشاد منه، / خاک مرا به باد مده
ابر عبوس اوج - طلب / پاپوس آبکند شود
بس کن خروش و همهمه را، / در خاک و خون
مکش همه را
کاری مکن که خلق خدا / گریان و سوگمند شود
نفرین من مباد تو را / زان رو که در مقام رضا
دشمن چو دردمند شود، / خاطر مرا نژند شود
خواهی گر آتشم بزنی / یا قصد سنگسار کنی
کبریت و سنگ در کف تو / خاموش و بی گزند شود
سیمین بهبهانی

گزارش گاردین و امنستی از شکنجه بازداشت شدگان برای اعتراف بگیری:

هم بندها شنیده اند تاج زاده و رمضان زاده از درد فریاد می کشیدند.. روشنگری. رابرت تیت خبرنگار گاردین در گزارشی که که روز جمعه ۵ تیر در این نشریه به چاپ رسیده نوشته اصلاح طلبان دستگیر شده تحت شکنجه قرار داده شده اند تا به شرکت در یک توطئه خارجی برای براندازی رژیم اعتراف کنند.
در این گزارش آمده مصطفی تاج زاده، عبدالله رمضان زاده و محسن امین زاده که همگی از موسوی حمایت کرده بودند، در زندان اوین زیر بازجویی هایی سنگین قرار دارند. همراه آنها چند صد فعال سیاسی، دانشگاهی، روزنامه نگار و دانشجو نیز در زندان به سر می برند.
در این مقاله از قول برخی هم بند ها نقل شده که آنها فریاد تاج زاده و رمضان زاده از درد در بند ۲۰۹ را شنیده اند.
صدای امین زاده را نیز شنیده اند که فریاد می زد من حاضر به مصاحبه نیستم.
این گزارشات توسط سازمان عفو بین الملل داده شده که منبع خبر را شدیداً قابل اعتماد، معرفی کرده است.
در گزارش گاردین به شیوه های مشابه قبلی رژیم و پروژه های رسوای اعتراف بگیری اشاره کرده و مینویسد در هفته اخیر نیز تلویزیون دولتی چند نفر را نشان داد که، اعتراف، میکردند، تروریست، بوده اند و در تظاهرات اخیر شرکت کرده اند.
همسر تاج زاده، خانم فرخرو سادات محتشمی پور به ویسایت امروز گفته است که از زمان دستگیری تاج زاده در ۱۲ ژوئن به او و وکیل اجازه دسترسی به تاج زاده را نداده اند. او گفت، هراظهار نظری که توسط این اشخاص در شرایط کنونی به عمل آید اعتبار ندارد. تنها جرم همسر من تلاش برای افزایش تعداد شرکت کنندگان در انتخابات است.
۶ تیر ۱۳۸۸

Ziai, Jahangir and Eleanor Amuzegar Chair in Iranian Studies, Director of Iranian Studies, UCLA Department of Near Eastern Languages and Cultures, Los Angeles, CA
Isabelle Dolezalek, Freie Universität Berlin
Jadwiga Pstrusińska, Head of Department of Interdisciplinary Eurasianic Research, Institute of Oriental Philology, Jagiellonian University, Cracow
Jean-Paul Martinon, Department of Visual Cultures, Goldsmiths College, UK
Joanna Bochenska
Jolan Bogdan, Department of Visual Cultures, Goldsmiths College, UK
Juan R. I. Cole, Mitchell Collegiate Professor of History, University of Michigan
Kazem Alamdari, California State University, Los Angeles
Nayereh Tohidi, Professor, California State University, Northridge
Linda Herrera, Institute of Social Studies (The Hague) (Asef Bayat, University of Leiden
Lynn Schibeci, Dept of History, the University of New Mexico (retired), Albuquerque, New Mexico
Mark Gasiorowski, Political Science and International Studies, Louisiana State University
Martin Steinseifer, Universität Giessen
Martin van Bruinessen, Chair of Comparative Study of Contemporary Muslim Societies, Department of Theology and Religious Studies, Utrecht University
Martina Tisberger, Freie Universität Berlin, Department of Educational Sciences and Psychology
Michael McIntyre, International Studies, DePaul University, Chicago

Mohamad Tavakoli-Targhi, Professor of History and Near and Middle Eastern Civilizations, University of Toronto
Norma Claire Moruzzi, University of Illinois at Chicago, Political Science, History, Gender and Women's Studies
Scott Hibbard, DePaul University, Chicago
Seyla Benhabib, Seyla Benhabib, Eugene Meyer Professor of Political Science and Philosophy, Yale University, New Haven
Jesse Lemisch, Professor Emeritus, History, John Jay College of Criminal Justice, City University of New York, USA
Stephen Engelmann, University of Illinois at Chicago
Talal Asad, Graduate Center, City University of New York
Van Blumel, Emeritus Professor of Physics at Worcester Polytechnic Institute, in Worcester, MA
Vera Beyer, Kunsthistorisches Institut der Freien Universität Berlin
Dr Riaz Ahmed, Department of Applied Chemistry, University of Karachi, Karachi

۵ تیر ۱۳۸۸

اسامی تعدادی از دستگیرشدگان

براساس گزارش اعتماد ملی تاکنون محسن میردامادی، عبدالله رمضان زاده، سیدمصطفی تاج زاده، سعید حجاریان، محسن صفایی فراهانی، محسن امین زاده، علی تاجرنیا، سعید شیرکوند، حمزه کریمی، شهاب الدین طباطبایی، بهزاد نبوی، محمد توسلی، محمد عطریانفر، محمدعلی ابطی، محمد قوچانی، جهانبخش خانجانی، علی محقر، هدایت الله آقایی، عبدالله مومنی، عبدالفتاح سلطانی، محمدرضا جلالی پور، احمد زیدآبادی، سعید لیلز، اردشیر امیرارجمند، سمیه توحیدلو، عماد بهاور، ژیلای بنی یعقوب، بهمن احمدی امویی، کیوان صمیمی، عبدالرضا تاجیک، مهسا امآبادی، مازیار بهاری، اکبر بیاتی، مجتبی پورمحسن، پیمان عارف، علی وفقی، حمزه غالبی، سعید نیکخواه، رضا همایی، ذاکری، هانیه یوسفیان، ضیاءالدین نبوی، علیرضا خوشبخت، زهرا توحیدی، سجاد بازوند، مجید دري، جواد امام، مجید نیری، حجت اسماعیلی، محسن باستانی، مهرداد بال افکن، غفار فرزدي، مجید جابری، رحمت الله امیری، روح الله رحیم پور، امیرحسین جهانی، علی اشرف سلطانی آنر، رحیم یآوری، محمدرضا احمدی نیا، احمد افجه بی، مجتبی خندان، سعید زراعت کار، روح الله شفيعی، علی مهرداد، بهزاد باشو، سیدخلیل میراشرفی، روح الله شهسوار، علی تقی پور، سعید نورمحمدی، رضا شمس آبادی و امیرحسین شمشادی دستگیر شده اند. ۴ تیر ۱۳۸۸

در سکوت زندان اوین چه می‌گذرد؟

رئیس گوگل: "اگر مقامات ایران از مسدود کردن پایگاه های اینترنتی دست نکشند، عواقب این کار با آنها خواهد بود"

عصر ایران- رئیس و مدیر اجرایی شرکت گوگل، با انتقاد از محدودیت های رسانه ای پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران تهدید کرد: "اگر مقامات ایران از مسدود کردن کانال های ارتباطی از جمله پایگاه های اینترنتی دست نکشند مسولیت و عواقب این کار با آنها خواهد بود!" به گزارش عصر ایران (asriran.com) به نقل از گاردین، رابیک اشمیت، در حاشیه یک جشنواره تبلیغاتی بین المللی در شهر کان فرانسه مدعی شد: "کشورهایی چون ایران که در تلاش برای اعمال محدودیت بر رسانه هایی چون تلویزیون، اینترنت، رادیو و تلفن همراه هستند، خود را به مخاطره می اندازند و مسولیت این کار با آنها خواهد بود." این مقام شرکت گوگل در ادامه اظهارات تهدیدآمیز خود گفت: "ما وکلای زیادی در اختیار داریم که در هر یک از این کشورها فعالیت می کنند. ما اعلام کرده ایم که اگر آنها در جهت مسدود کردن آزادی بیان و ارتباطات اقدام کنند، چه عواقبی در انتظارشان خواهد بود. گاهی آنها رفتارشان را تعدیل می کنند و گاهی نیز خیر. اگر آنها به صحبت های ما گوش نکنند مسولیتش بر عهده خودشان خواهد بود." اشمیت در ادامه ابراز امیدواری کرد کلیپ های ویدئویی زیادی از تظاهرات خیابانی که بر روی پایگاه های چون یوتیوب، ارسال شده به آنچه "کاهش خشونت و تعدیل رفتار مسولان نامید"، کمک کند. مدیر گوگل افزود: "اینترنت، قوی ترین نیرو برای ابراز نظرات و ابراز وجود شخصی است که تاکنون ابداع شده و دولت ها در سراسر جهان همواره با جریان اطلاعات آنلاین مشکل داشته اند." اشمیت خاطرنشان کرد: "موتور جستجوگر گوگل به عنوان مالک وب سایت یوتیوب، دانمآ برای دولت ها توضیح داده که محدود کردن ابزارهای ارتباطی، کاربرد ندارد." براساس این گزارش از زمان اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران دسترسی به کانال های ارتباطی با محدودیت روبرو بوده و در این میان استفاده از پایگاه هایی مانند توییتر و فیس بوک برای کسب اطلاع از آخرین وقایع در بین معترضان متداول شده است. ۶ تیر ۱۳۸۸

از زندان های ایران خبری به بیرون نمی رسد. هر روز خانواده های زندانیان در برابر زندان صف می کشند، تا خبری از عزیزان خود بدست آورند، این جستجوی ناامیدانه در سراسر کشور تکرار می شود. لیست چند صد نفری (بیش از ۷۰۰ نفر) که در برابر زندان اوین به دیوار زده شده است، که بدون شک کامل نیست. تقاضای ملاقات خانواده ها از سوی مسولان قضایی رد می شود. درهای زندان بسته است.

درهای زندان بسته است. پیش از این در ۲ تیرماه ۱۵۰ تن از وکلای دادگستری "توقف بازداشت های گسترده و غیرقانونی را خواستار شده بودند."

خانواده های روزنامه نگاران و وبنگاران بازداشت شده از اوین به دادگستری و از دادگستری به اوین کشانده می شوند تا در آخر بشنوند "اینجا نیست بروید تا خبرتان می کنیم"

"خانواده های صدها زندانی در زندان اوین حق دارند عزیزان خود را ملاقات و از علت بازداشت آنها مطلع شوند. خطر به ویژه زندانیان بند ۲۰۹ را تهدید می کند. ما از مقامات مسول می خواهیم اجازه دهند تا نمایندگان رسانه های مستقل و سازمان های مدافع حقوق بشر از این زندان و این بند بازدید کنند."

"گزارشگران بدون مرز گزارشات متعددی از شکنجه کردن بازداشت شدگان دریافت کرده است. پاسداران و نمایندگان سعید مرتضوی دادستان انقلاب تهران با برخی از روزنامه نگاران و وبنگاران زندانی رفتار خشونت آمیز دارند. گزارشگران بدون مرز در روز جهانی مبارزه با شکنجه از جامعه جهانی می خواهد همه ی توان خود را برای شکستن سکوت در باره زندانیان عقیدتی اوین بکار گیرند. امروز زندان اوین همچون استادیوم ورزشی سانتیگو شیلی در بعد از کودتای ۱۹۷۵ پیونوشه، به زندانی خونین که خودسری در آن حکومت می کند تبدیل شده است."

گزارشگران بدون مرز در گذشته بارها از موارد شکنجه در این زندان گزارش داده است. زهرا کاظمی عکاس خبرنگار ایرانی کاندایی در همین زندان در اثر شکنجه به قتل رسید و مرگ مشکوک امیررضا میرصیافی و بلاگ نویس نیز در همین زندان روی داد.

رکسانا صابری که اخیرا از همین زندان و بند ۲۰۹ آزاد شده است گفته است "من نگران همه آنها هستم که در آنجا زندانی شده اند، فکر می کنم آنها در شرایطی بسیار دشوارتر از من قرار دارند. برخی از آنها احتمالا شکنجه جسمی می شوند."

گزارشگران بدون مرز از دستگیری عکاس خبرنگار مهدی زابلی همکار روزنامه همشهری در تاریخ ۳۰ خرداد ماه مطلع شده است. این خبرنگار که از ناحیه سر زخمی شده بود، از بیمارستان به زندان اوین منتقل شده است.

دو روزنامه نگار دیگر بوشهری امان اله شجاعی و ماشاله حیدرزاده در تاریخ ۴ تیر ماه شده بود، با سپردن وثیقه سنگین از زندان آزاد شدند. گزارشگران بدون مرز از تاریخ ۳۰ خرداد از رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران همچون ده ها روزنامه نگار دیگر بی اطلاع است.

جمهوری اسلامی ایران امروز با ۳۳ روزنامه نگار زندانی، بزرگترین زندان روزنامه نگاران در جهان است.

اسامی روزنامه نگاران دستگیر شده از تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ تهران: عبدالرضا تاجیک، مهسا امربادی، احمد زیدآبادی، کیوان صمیمی بهبهانی، بهزاد باشو، سید خلیل میراشرفی، سمیه توحیدلو، محمد عطریاتفر، سعید حجاریان، محمد علی ابطی، سعید لیلانز، محمد قوچانی، ژیلای بنی یعقوب، بهمن احمدی امویی، مصطفی قوانلو قاجار، مازیار بهاری، ایاسون آتهاناسیادیس. علیرضا بهشتی پور شیرازی، مهدی زابلی. و ۲۵ نفر از کارکنان روزنامه کلمه سبز.

مشهد: روح اله شهوار

رشت: مجتبا میرمحسن

کرج: فریبرز سروش

برگرفته از سایت خبری راه کارگر .

*** پیوندها ***
سردبیر نشریه: منصور نجفی
mansour.nadjifi@telia.com
ایمیل روابط عمومی سازمان
public@rahekargar.net
تلفن روابط عمومی سازمان
0049-69-50699530
شماره فاکس سازمان
۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴
سایت راه کارگر
www.rahekargar.net
سایت رادیو برابری
www.radiobarabari.net
سایت اتحاد چپ کارگری
www.etehadchap.org
سایت رادیو صدای کارگران ایران
www.sedayekargaran.com
نشر بیدار
www.nashrebidar.com
نشریه انگلیسی ایران بولتن
www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاما بیاتر مواضع سازمان نیستند.